

مقاله پژوهشی

راهکارهای تحصیل امنیت سیاسی در روابط بین‌الملل از منظر قرآن

هوشیار پیردایه^۱، رشید رکابیان*^۲ و علی فلاحی سیف الدین^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

چکیده: زمینه و هدف: دولت در فضای آنارشی، مسئول و مراقبت از امنیت است. در این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند؛ دیگر اینکه دولت ملی چارچوب و مرجع تأمین امنیت است. در جهان مدرن دو نگاه فراگیر لیبرالیستی و رئالیستی به عنوان دو گفتمان غالب در روابط بین‌الملل در مورد امنیت وجود داشت. که هر دو نظریه دو نگاه افراط گرایانه و تفریط گرایانه به امنیت بین‌الملل داشتند که همین دیدگاه‌ها باعث جنگ‌های متعدد در جهان شد؛ درحالی که نگاه قرآن متفاوت از این دو نظریه است. به تاسی از مطالب بالا مقوله امنیت و به ویژه امنیت سیاسی، در همه جوامع امروزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی حقوق بنیادین افراد مورد توجه قرار می‌گیرد براین اساس این پژوهش با نگاهی انتقادی به دو مکتب مسلط روابط بین‌الملل (رئالیسم و لیبرالیسم) در مورد امنیت سیاسی راهکارهای تحصیل امنیت سیاسی را از منظر قرآن مطرح می‌کند. روش تحقیق: این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ای بخصوص قرآن انجام می‌شود. یافته‌ها: دو مکتب رئالیسم و لیبرالیسم امنیت را بارویکرد جنگ طلب و صلح طلب تفسیر نمودند ولی باتوجه به آنارشیست بودن امنیت دولت‌ها در شرایط امروز جهانی، راهکارهای قرآنی برای تحصیل امنیت سیاسی بین‌الملل ارئه، در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و حقوقی بیان شده؛ همچنین دیدگاه قرآن نسبت به ساختار نظام بین‌الملل نگاهی تعدیل گرایانه و تقلیل گرایانه از طریق ایجاد عهدنامه‌ها، تقویت گفتگوی بین‌المللی، همزیستی و دعوت به اسلام می‌باشد.

واژگان اصلی: امنیت سیاسی، لیبرالیسم، رئالیسم، روابط بین‌الملل، قرآن.

^۱ . گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

Hoshyar.perdaya@iau.ac.ir

^۲ . دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).

ra.recabian@gmail.com

^۳ . گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

ali.fallahi@iau.ac.ir

مقدمه

امنیت را می‌توان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری اجتماعات انسانی دانست؛ زیرا انسان‌ها برای برآوردن نیاز طبیعی خویش به امنیت جسمی و روانی، گرد هم جمع شده، زندگی مدنی را تشکیل داده‌اند. با گسترش جوامع بشری، ابعاد جدیدی بر این مقوله افزوده شد و عرصه‌های نوینی را دربرگرفت که یکی از این ابعاد جدید، «امنیت سیاسی» است.

مروری اجمالی بر تعاریفی که نویسندگان گوناگون در باب امنیت سیاسی ارائه کرده‌اند، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که با وجود آنکه امنیت سیاسی در هر صورت، مقوله‌ای قرین و وابسته به امنیت ملی است؛ ولی دو رویکرد متفاوت را در تعریف و تبیین آن می‌توان ملاحظه کرد (موحدی و عرف، ۱۳۹۲، ۶۷-۶۹): «امنیت سیاسی دولت‌محور» و «امنیت سیاسی فردمحور».

در رویکرد نخست، امنیت سیاسی را «ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی» می‌دانند که به این دولت‌ها «مشروعیت» می‌بخشند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). براساس این رویکرد، امنیت سیاسی، مهار تهدیداتی است که به گونه‌ای «موجودیت نظام سیاسی» را تهدید می‌کنند و با شاخص‌هایی همچون امنیت و ثبات اساس حکومت (فرد حاکم یا هیئت حاکمه)، امنیت ایدئولوژی یا تئوری حکومت و کارآمدی دستگاه اداری کشور (در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، انتظامی، دفاعی، قضایی، اداری و...) سنجیده می‌شود.

اما رویکرد دوم، امنیت سیاسی را در سطح فردی یا خرد، مورد توجه و مطالعه قرار داده، معتقد است تأمین امنیت سیاسی در سطح فردی، به تأمین امنیت کلی جامعه و دولت منجر می‌شود (میراحمدی و شیر، ۱۳۸۸: ۸۳). که البته امنیت سیاسی افراد درگرو امنیت سیاسی دولتهاست.

در قرآن کریم آیات زیادی درباره امنیت و جایگاه رفیع آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان وارد شده است مثلاً در آیه ۵۵ سوره نور یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را طرح کلی امنیت معرفی کرده است. از طرفی قرآن فقدان سخت‌گیری و خشونت ورزی حکومت با مردم و اعمال تساهل و تسامح لازم با آنان که در بستر عدالت ورزی

صورت پذیرد، مایه جذب قلوب مردم و همگرایی ایشان با نظام سیاسی می‌داند که انس و الفت، اتحاد و همدلی و ثبات و امنیت را به ارمغان می‌آورد.

وجوه بارز امنیت سیاسی «اخلال در حقوق عمومی» و به تعبیر رایج‌تر جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است. محاربه از جمله اصلی‌ترین جرائم مخل امنیت سیاسی که از مصادیق ظلم و افساد در زمین است. قرآن به شدت به مقابله با این جرم اصرار ورزیده (ر،ک سوره بقره) در مبحث امنیت سیاسی، یکی از اصول سیاسی و امنیتی ارزشمند، اصل نفی سیل است و... بر این اساس دیدگاه قرآن به مفهوم سیاسی امنیت، بر پایه رویکرد هدایتی قرآن و در پیوند با بخشی از مفاهیم دینی است لذا قرآن امنیت را نعمتی از سوی خداوند (انفال/۲۶) و فرجامی حتمی برای مؤمنان صالح می‌داند. (طباطبائی، ۱۳۶۷، ۱۵/۱۵۵) توجه قرآن به امنیت در این گستره وسیع از آیات و نیز درخواست امنیت از سوی حضرت ابراهیم (بقره/۱۲۶)؛ و تأکید بر حرمت جنگ در ماههای حرام و یادآوری بعضی اقوام بهره‌مند از نعمت امنیت مانند قوم سبا (سبا/۱۸) و ارتباط بخش فراوانی از مباحث فقهی مانند حدود- دیات و جهاد با مقوله امنیت، نشان از اهمیت امنیت در اسلام دارد و تأکید قرآن بر امنیت مکه و ماههای حرام، می‌تواند زمینه‌ای برای نهادینه شدن فرهنگ صلح و امنیت در جامعه اسلامی باشد. امنیت سیاسی، یکی از «موضوعات» کلان امنیت است که خود، سطوح و موضوعات جزئی‌تری را دربردارد. بر این اساس، گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت نظام سیاسی است (سطح کلان) و گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت/ آزادی‌های سیاسی افراد است (سطح خرد). که در این پژوهش هردو وجه آن را دربر می‌گیرد. با این توضیحات امنیت سیاسی، یکی از «موضوعات» کلان امنیت است. به تاسی از مطالب مذکور پژوهش پیشرو به این سؤال جواب می‌دهد: راهکارهای تأمین امنیت سیاسی در روابط بین الملل از منظر قرآن کدامند؟

پیشینه تحقیق

درمورد رابطه امنیت در قرآن مقالات و کتبی به نگارش درآمده که ازجمله آنها:

(۱) زینب نیکدل و همکاران در مقاله اثرگذاری امنیت سیاسی و ثبات دولت‌ها بر جذب سرمایه گذاری

مستقیم خارجی: اقتصادسنجی فضایی؛ با استفاده از داده‌های ۶۶ کشور و روش اقتصادسنجی فضایی در بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۰ به مطالعه تأثیر امنیت سیاسی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از مطالعه بیانگر آن است که برقراری امنیت سیاسی عاملی مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بوده و کشورها می‌توانند با برقراری امنیت سیاسی، موفقیت بیشتری در جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشند. از سویی دیگر اثر سرریز امنیت سیاسی نشان می‌دهد هر چه منطقه‌ای که کشورها در آن واقع هستند، از امنیت بیشتری برخوردار باشد، تمایل سرمایه‌گذاران برای حضور در این کشورها و سرمایه‌گذاری بیشتر است و این عامل یکی از فاکتورهای مهم و اثرگذار بر جریان سرمایه‌گذاری است. (۱۴۰۰)

۲) سیدسجاد آغفور و یوسف یعقوبی منفرد در مقاله امنیت سیاسی گروه‌ها؛ موجبات و موانع تحقق آن از منظر قرآن کریم؛ به بررسی موجبات و موانع امنیت سیاسی گروه‌ها از منظر قرآن کریم پرداخته و نتیجه می‌گیرد که قرآن در موارد گوناگونی با توصیف تهدیدات مربوط به امنیت سیاسی گروه‌ها، به نمونه‌های تاریخی اشاره کرده است. از منظر قرآن، امنیت سیاسی گروه‌ها در قالب پذیرش و اجازه تشکیل مجموعه‌های سیاسی و امکان مشارکت سیاسی ساختاری در قالب تشکّل‌های گوناگونی جهت ساخت سرنوشت سیاسی صورت می‌گیرد. در جامعه‌ای که مشارکت سیاسی گروه‌ها وجود داشته و گروه‌های آن جامعه، شناسایی متقابلی نسبت به نظام سیاسی داشته و گرایش فعال نسبت به ساخت‌های سیاسی و روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی دارا باشند، در این جامعه گروه‌ها دارای امنیت بوده و می‌توانند در خط مشی‌ها نفوذ و در تصمیمات تأثیرگذار باشند. (۱۴۰۰)

۳) محمدنادری درمقاله اهمیت امنیت در اسلام، معتقد است که قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و خلافت و جانشینی صالحان و طرح امامت می‌شمارد، و بحث امنیت که در آیات مختلف، مستقیم و غیرمستقیم به آن پرداخته شده و لذا یکی از دغدغه‌های انبیاء و ائمه (ع) مساله امنیت و آسایش جامعه بوده است و دوست داشته‌اند که مردم را از عواقب شوم ناامنی نجات داده و لذت شیرینی امنیت را به کام مردم بچشانند. (۱۳۸۵)

۴) مجتبی اسلامی و همکاران، درمقاله امنیت در اسلام (مبانی و قالب‌های فکری) دراین مقاله به

بررسی مقوله امنیت در اسلام با رویکرد سیره نبوی و امنیت در دیدگاه علوی و مهدوی پرداخته است. بر این اساس با در نظر گرفتن شاخصهای اصلی و کلیدی در گفتمان پیامبراعظم و حضرت علی (ع) و رویکرد فلسفه انتظار مساله امنیت، ابعاد و قالبهای فکری منبعث از آن را تبیین و بررسی می‌کند. در نگاه ائمه اطهار الگوپذیری از سیره نبوی و کلام فاخر قرآن در کنار مقتضیات و مصلحت جامعه اسلامی و حق داشتن امنیت و آسایش برای کلیه اتباع سرزمین اسلامی حائز اهمیت است. (۱۳۸۸)

۵) رضادآوری اردکانی و همکاران در مقاله امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی، معتقد است امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) با دو مفروض، نخست، حکومت تنها ضمانت اجرای احکام اسلام و دوم، تشکیل حکومت اسلامی واجب است، بیشترین اهمیت را به اصل و جایگاه نظام سیاسی داده است. (۱۳۸۸) و.... درحالی که پژوهش پیشرو از این جهت دارای نوآوری است که امنیت سیاسی را در عرصه بین الملل از منظر قرآن بررسی می‌کند که تاکنون به آن پرداخته نشده است.

۱- مفهوم شناسی:

آشنایی با ماهیت و حقیقت راهکارهای تأمین امنیت سیاسی در روابط بین الملل مستلزم این است که با مفاهیم مربوط با آن نیز آشنا شویم.

امنیت: در لغت فارسی به «ایمن شدن»، «در امن بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است (معین، ۱۳۷۵، ۳۵۴). معادل این واژه در زبان عربی «الأمن» و «الأمان» است که بر محور معنایی اطمینان، در امن بودن، ضمانت و محافظت، حمایت، مورد اعتماد و اطمینان و نیز اطمینان و سکون قلب قرار دارند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ۱۳۳/ راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۲۱). لغت‌شناسان، معانی چندی برای این ریشه بیان کرده‌اند؛ همچون: الأمن ضد الخوف، الأمانه ضد الخيانة، الإیمان ضد الکفر، الإیمان بمعنی التصدیق و ضده التکذیب (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ۱۳: ۲۰۷). در اصطلاح ازدید باری بوزان نیز رهایی از تهدیدها را مسئله اصلی امنیت می‌داند. به اعتقاد وی، در عرصه روابط بین الملل، امنیت به

معنای «توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و تمامیت آنهاست» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳). همچنین براساس تعریف دیگری، امنیت عبارت است از دور و مصون‌بودن از خطرهای و تهدیدهایی که منافع و هنجارهای اساسی یک فرد یا جامعه را با خطر نابودی روبه‌رو می‌سازند.

۲. سیاست: مفهوم لغوی «سیاست» واژه‌ای است عربی که از ریشه «ساس - یسوس» گرفته شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۹۶) به معنای حکم راندن بر رعیت، اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن..... (ابوالحمد، ۱۳۷۳: ۴۵) و در اصطلاح هر گونه تدبیر و فعالیت در عرصه‌های مربوط به اداره و مدیریت جامعه است. (منوچهری، ۱۳۸۷: ۷)

۳. روابط بین الملل: رایج‌ترین تعریفی که برای روابط بین‌الملل شده است. عبارت است از: «مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیر دولتی و روندهای سیاسی میان ملت‌ها که به آن روابط بین‌الملل گفته شده است.» (قوام، ۱۳۹۰: ۱۲)

۴- امنیت سیاسی: امنیت سیاسی، یکی از «موضوعات» کلان امنیت است که خود، سطوح و موضوعات جزئی‌تری را دربردارد. بر این اساس، گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت نظام سیاسی است (سطح کلان) و گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت/ آزادی‌های سیاسی افراد است (سطح خرد). باری بوزان در کتاب «مردم، دولتها و هراس» در چارچوب منطق اندیشه سیاسی جدید، امنیت را در درجه اول موضوع دولت میداند. این ادعای وی در مسیر باز کردن و تشریح ابعاد و اقسام امنیت در طول کتاب به طور ضمنی تأیید میشود. از نظر وی امنیت جوامع به پنج دسته تقسیم میشود: «امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولتها، سیستمهای حکومتی و ایدئولوژیهای است که به آنها مشروعیت می‌بخشند.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) تعریف مورد نظر در این تحقیق، تعریف بوزان می باشد که مدعای ما را تبیین می‌کند.

۲- مبانی نظری

نظریه‌ها حاصل تفسیرها، بینش‌ها و نگرش‌های خاص از جهان و محصول ارزش‌ها و جهت‌گیریهای ساختاری و رفتاری هستند. هر نظریه با توجه با زاویه دید خود می‌کوشد تا نوع ویژه‌ای از تجویزهای عملی را ارائه دهد. (پوراحمدی، ۱۳۹۴: ۶) در اندیشه سیاسی مدرن و نظریه

امنيت بوزان، دولت در فضای آنارشی، مسئول امنيت و مراقبت از آن است. از اين دیدگاه، دولتها موضوع اصلی امنيت هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۷)؛ زیرا دولت ملی چارچوب نظم (در قبال آنارشی) و مرجع حاکميت است. بوزان با اين نتیجه گیری که اولاً دولت موضوع امنيت است و ديگر اینکه دولت ملی چارچوب و مرجع تأمین امنيت است، غيرمستقیم به اين نکته اشاره دارد که دولت ابتدا بايد امنيت خود را به عنوان سازمان مرجع، تأمین کند تا بتواند به ایفای وظائف امنيتی بپردازد. برای همین است که او در طی دو فصل از کتاب به اهميت دولت و حفظ شأن، اقتدار و جایگاه آن از طریق تشریح امنيت سياسي می پردازد. براین اساس امنيت سياسي به لحاظ اینکه با نظام سياسي رابطه تنگاتنگی دارد نسبت به ديگر ابعاد امنيت از اهميت بیشتری برخوردار است. نیاز به امنيت سياسي و ضرورت حفظ و بقا آن به جهت وابستگی آن به نظام سياسي موجب آن شده که در همه جوامع عوامل و عناصر دخیل در آن اعم از عواملی که مخل امنيت سياسي هستند و عواملی که جز عناصر ضروری و پایدار برای حفظ و ارتقاء هستند مورد توجه و تحقیق علمی قرار بگیرد.

براین اساس نظریه های موجود در رشته روابط بین الملل هر کدام با توجه به بینش و معرفت شناسی خود، با نگاهی متفاوت به مسائل و روابط امنيت بين المللی پرداخته اند. از جمله آن نظریه ها:

۲-۱. نظریه رئالیسم

رهیافت رئالیسم که یکی از قدیمی ترین نگرش ها در عرصه توضیح و تبیین مسائل بين المللی است. و هنوز هم در میان سایر رهیافت های موجود، از اقبال و جایگاه مناسبی برخوردار است. (ستوده؛ ۱۳۹۶: ۷۵) که با نگاه بدبینانه به سرشت بشر و با رویکرد سلبی به امنيت روابط بين الملل می نگرد. (مورگنتا؛ ۱۳۷۹: ۵) از این رو در عمل و رفتار در صدد کسب، افزایش و اعمال قدرت بر می آید. این قدرت طلبی، در دولت ها انعکاس یافته و خوی تجاوزگری به خود گرفته، در نتیجه عرصه بين الملل به میدان رقابت و منازعه برای تأمین منافع تبدیل می شود. (دوئرتی؛ ۱۳۸۴: ۱۵۹) بنابراین جنگ و منازعه در روابط بين الملل اصالت یافته. صلح و همزیستی در روابط بين الملل، امر عارضی و آرزوی دست نیافتنی تلقی می گردد. (همان؛ ۳۶۷)

۲-۲. نظریه لیبرالیسم

لیبرالیسم با نگاه خوش بینانه به امنیت و روابط بین الملل می‌نگرند که با رویکرد ایجابی از سوی آنها دنبال می‌شود. (پوراحمدی؛ ۱۳۹۴؛ ۱۶۷) آرمان گرایان، بشر را ذاتا خوب و خیر خواه می‌داند که اگر انسان بر مبنای فطرت و نوع دوستی خود عمل کند، رفتاری همکاری جویانه و صلح آمیز خواهد داشت، زیرا امکان رفع جنگ در صحنه بین المللی از طریق تقویت قواعد، مقررات و نهادهای بین المللی وجود دارد. جنگ و بی‌ثباتی در نظام بین المللی ناشی، از ساختار ناقص نظام بین المللی است و رابطه دولت با دولت است نه ناشی از شرارت انسان. (قوام؛ ۱۳۹۰؛ ۳۴۱)

۲-۳. نظریه قرآن

در کنار نظریات مطرح شده از سوی اندیشمندان غربی، در حوزه روابط بین الملل، آنچه ضروری به نظر می‌رسد ۳ طرح نظریه قرآن است. مخاطبان آموزه های قرآنی، نژاد و یا گروه خاصی در زمان و مکان ویژه ای نیستند بلکه همه مردم، از هر نژاد و ملیتی و دارای هر عقیده و مرامی، در سراسر گیتی مخاطب پیام و آیین قرآن هستند.

از دیدگاه قرآن در روابط بین الملل، نه جنگ اصالت دارد و نه صلح، بلکه پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. (پوراحمدی؛ ۱۳۹۴؛ ۱۸۲) یعنی صلح پایدار و رابطه مسالمت آمیز، در پرتو عدالت استقرار می‌یابد و لازمه تثبیت عدالت، ظلم زدایی است که آن خود مستلزم تغییر و جهاد اسلامی است. از همین رو، از دیدگاه قرآن روابط اجتماعی سیاسی صلح و امنیت محور است. (فرازی؛ ۱۳۸۹؛ ۲۶۰)

با توجه به مطالب مذکور، ماهیت روابط میان کارگزاران بین المللی بیش از آن که متأثر از ساختارهای محیطی باشد، منوط به این است که قدرت در اختیار چه کسانی (کارگزار) یا سازمان‌ها و نهادهایی و یا دولت‌هایی قرار می‌گیرد. اگر سیاست و قدرت جهانی در اختیار صالحان و مؤمنان باشد، روابط بین الملل همراه با صلح و امنیت پایدار خواهد بود، و از جنگ و ستیز فاصله خواهد داشت و در صورتی که سیاست و قدرت جهانی به دست کارگزاران غیر الهی باشد، روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها مبتنی بر رقابت و ستیز خواهد بود. (ستوده؛ ۱۳۹۶؛ ۱۸۱)

در روابط بین الملل اسلامی، روابط اجتماعی انسان ها و ملت ها مبتنی بر همیاری، همدلی، همفکری، خیرخواهی، تعاون و مودت است که نتیجه آن بسط ارزش های انسانی، اخلاق و روابط عادلانه جهانی خواهد بود. نتیجه اینکه رویکرد رئالیستی امنیت، مبتنی بر افراط گرایی است که ارزشی برای انسانها قائل نیست و بر جنگ تاکید دارد و رویکرد ایده آلیستی امنیت مبتنی بر تفریط گری است که جهان را همیشه مبتنی بر صلح میدانند در حالی که نگاه قرآن بینابینی است نه افراط گرایانه و نه تفریط گرایانه است بلکه صلح، قانون، حقوق انسانی، دفاع مشروع، جهاد با کفار حربی و... را در امنیت تاثیرگذار میداند

۳- مقایسه راهکارهای تأمین امنیت سیاسی از منظر قرآن با رویکرد رئالیسم و لیبرالیسم

امروزه، شناخت روابط بین المللی، نه تنها برای دولتمردان، بلکه برای دیگران نیز ضروری است زیرا سرنوشت انسان ها به همان نسبت که متأثر از وقایع و رخ دادهای درون جامعه است، از شرایط نظام جهانی نیز تأثیر می پذیرد. ضرورت تجویزی تأسیس دولت، نقطه تولد بحث امنیت سیاسی است؛ زیرا بقای دولت مقدمه تحقق اهداف جامعه است. اگر دولت، سازمان ساماندهی به زندگی جمعی وحل و فصل منازعات، وجود نداشته باشد، حاصل کار جنگ همه با همه و مرگ خشونت بار خواهد بود. پس مبنای حفظ اهمیت و جایگاه دولت و مراقبت از عناصر آن و استقلال آن در برابر دیگر نیروهای اجتماعی و محیطی، در بحث از امنیت سیاسی موضوعیت پیدا می کند. بر این اساس در قرآن برای تأمین امنیت سیاسی در روابط بین الملل راهکارهایی ارائه شده است. ضمن بررسی راهکارهای دو مکتب لیبرالیسم و رئالیسم به برخی از آنها اشاره شده است.

راهکار رئالیست ها در خصوص امنیت را می توان در سه مجموعه اصلی جای داد. که عبارتند از رویکرد تهاجمی؛ رویکرد تدافعی و رویکرد انگیزشی (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۹۰).

واقع گرایی تهاجمی معتقد است احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچ گاه آرام نخواهد شد لذا تنها قدرت است که می تواند احتمال وقوع جنگ را از حریف جلوگیری نماید و در صورت وقوع مانع شکست در جنگ شود.

رویکرد واقع‌گرایی تدافعی معادله قدرت - امنیت را رد می‌نماید و معتقد است عدم امنیت، امنیت دولت‌ها را وادار به تسلیح و دفاع می‌نماید. این دو رویکرد هرج و مرج نظام بین‌الملل را ناشی از ساختار آن می‌داند.

واقع‌گرایی انگیزشی تمام تمرکز خود را بر روی گزینه اول معادله امنیت یعنی احتمال جنگ قرار می‌دهد با این تفاوت که هرج و مرج موجود در نظام بین‌الملل را صرفاً ناشی از ساختار نظام بین‌الملل نمی‌داند بلکه دولت‌های طمع‌کار را، ضرورت ایجاد تضاد و کشمکش می‌داند و انگیزه جاه‌طلبی و افزون‌خواهی دارای اهمیت بیشتری است. این رویکرد تهدید جدی دولت‌های جویای امنیت را بی‌اعتمادی می‌داند و این بی‌اعتمادی باعث تضاد و کشمکش خواهد شد. (همان: ۹۵)

لیبرالیسم (ایده‌آلیسم) یک ایدئولوژی است و مطابق با ماهیت هر ایدئولوژی به دنبال تغییر و تحول در جوامع انسانی سازماندهی آن با اصول و اهداف خود می‌باشد.

مبانی امنیتی لیبرالیسم بر خلاف رئالیست که مبتنی بر جنگ می‌باشد، بر صلح تکیه دارد. آن‌ها علی‌رغم اینکه مانند رئالیست‌ها به نظام هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل اعتقاد دارند اما آن را غیرقابل اجتناب نمی‌دانند و بر خلاف رئالیست‌ها جنگ را واقعیت نظام بین‌الملل تلقی نمی‌نمایند. لیبرالیست‌ها معتقدند که سیاست قدرت حاصل عقاید است و عقاید مفهوم امنیت را نزد بازیگران چارچوب‌بندی می‌نماید. از سویی عقاید قابل تغییر هستند لذا امکان تغییر مفهوم امنیت نزد بازیگر همواره وجود دارد (همان: ۱۱۴) اندیشه‌گران واقع‌گرا وضعیت آنارشی را غیرقابل گریز می‌دانند اما در نگرش لیبرالیستی، محوریت با اصل عقلانیت است و همین اصل است که انسان‌ها را وادار می‌دارد روش‌هایی را که نفع ایشان را بدون هزینه جنگ برآورد می‌سازد بر غیر آن ترجیح دهند. لذا جنگ را یک عمل عقلانی نمی‌دانند و معتقدند که دولت‌ها باید صلح را پیشینه کار خود قرار دهند.

اما نکته مغفول در مکتب لیبرالیسم عقلانیت است که چگونه این عقلانیت باید ایجاد شود؛ نکته بعد اینکه این صلح چگونه باید ایجاد شود. درحالی که قرآن رهکارهای متعددی برای امنیت ارائه نموده که متفاوت و متمایز از دو مکتب لیبرالیسم و رئالیسم است که درزیل به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۳-۱- راهکار اعتقادی

عمده‌ترین راهکارهای تأمین امنیت سیاسی در روابط بین الملل، راهبرد اعتقادی است که در هیچ زمان یا مکانی تحت هیچ شرایطی قابل تغییر نیستند و ریشه در فطرت انسان دارد و در نحوه زندگی، عملکرد و انتخاب آنها موثر است. و شاید این پرسش ایجاد شود که توحید چه ربطی به امنیت سیاسی جامعه دارد؟ در پاسخ باید گفت: مهمترین ارمغان رواج تفکر و حاکمیت توحیدی در جامعه، وحدت و یکپارچگی مردم است، به طوری که همه نگاه‌ها به سوی خدای واحد خواهد بود، و تعریف مردم از حق و تکلیف یکی خواهد شد و یکپارچگی در جامعه ایجاد می‌شود. قرآن مجید خطاب به عموم مسلمانان می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (آل عمران، ۱۰۳) و همگی به ریسمان الهی جنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر) بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شوید.

توحید و معاد در قرآن فقط یک باور صرف نیست، بلکه مبنای یک الگوی کامل و برنامه جامع برای انسانی زیستن است. و تمام ابعاد و زوایای زندگی فردی و اجتماعی، از عقاید، احکام و اخلاق بر پایه آن قرار دارد. (مطهری؛ ۱۳۶۷؛ ۲۳۴) درواقع، امنیت را می‌توان یکی از نعمت‌های الهی تلقی کرد که در سایه آن انسان‌ها به آرامش و آسایش دست می‌یابند و در فقدان آن ترس و اضطراب بر بشر مستولی می‌شود. پاسداری از امنیت به منزله یکی از مؤلفه‌های تفکرسیاسی قرآن، از یک سو، نظم متکی بر عدالت را هدف می‌گیرد و از سوی دیگر، ظلم، تجاوز به حقوق دیگران و فساد را از ریشه‌های ناامنی می‌داند (زاهدی اصل، ۱۳۸۵؛ ۵۳). براین اساس اعتقاد به توحید باعث می‌شود افراد نسبت به امنیت جدی تر باشند.

۲-۳- راهکار تقویت حقوقی و قانون

مکتب جهانی برای جهانیان پیام خاص دارد؛ خواه همه مردم جهان او را بپذیرند یا برخی پذیرا باشند و بعضی نپذیرند؛ فلسفه حقوق و قانون گذاری در هر نظام، فراهم آوردن زمینه کمال و رساندن انسان به سعادت و کمال نهایی اوست که در نظام توحیدی اسلام این اندیشه تبیین شفاف‌تری می

یابد. تکریم انسان در ادیان الهی به مثابه یک حق مطرح است. (جعفری، ۱۳۸۶؛ ۱۶۵)

قرآن در جایگاه کامل‌ترین و آخرین کتاب الهی، فقط انسان را لایق سروری موجودات زمین و آسمان می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهور حمل کردیم و از انواع پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را در بسیاری از موجوداتی که آفریده ایم، برتری بخشیدیم.

نمونه دیگر از توجه به کرامت انسانی، ماجرای فرعون از جمله بدترین انسانهاست، اما یکی از پیامبران الهی یعنی حضرت موسی (ع) مأمور می‌شود تا همراه برادرش هارون با سخنی نرم برای هدایت او تلاش کند: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّیْنَا لَعَلَّهُ یَتَذَكَّرُ أَوْ یَخْشَىٰ» (طه: ۴۳-۴۴) به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد. تلاش برای هدایت فرعون را می‌توان از نشانه‌های کرامت ذاتی انسان در قرآن دانست؛ امری که در روابط بین الملل اسلامی، به ویژه در تبلیغ فرهنگ اسلامی نقش مهمی ایفا میکند. در رویکرد حقوقی نیز انسان دارای حرمت است و حق دارد محترمانه زندگی کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد. (مصباح یزدی؛ ۱۳۸۲؛ ۲۹) در حالی که در دومکتب فوق‌الذکر انسان فاقد کرامت است اصولاً امانیسمی که از اصول مکتب لیبرالیسم است انسان را یک انسان زمینی تفسیر میکند. علاوه بر این قانون و حقوق بین الملل ضمانت اجرای کافی ندارد. قانون و امنیت دو مفهوم بسیار مهم در اداره یک نظام سیاسی می‌باشد که رابطه میان این دو مفهوم بیشتر یک رابطه یک سویه است؛ به این معنا که همواره قانون در خدمت امنیت بوده است. (عبدالله‌خانی؛ ۱۳۸۴؛ ۱۱) در جامعه‌ای که بر مدار عدالت می‌چرخد، از شاخص‌های اصلی آن تکیه بر قانون‌گرایی است. (نصرتی؛ ۱۳۹۵؛ ۱۶۸) لذا نظام بین الملل اگر بر محور قانون الهی باشد سبب تحصیل امنیت می‌شود.

۳-۳- تعدیل ساختار موجود نظام بین الملل

: در گذشته، این تصور ممکن بود که دولتی یا ملتی بتواند بدون همکاری دیگر دولت‌ها و ملت‌ها، استقلال و امنیت خود را تأمین کند، اما باتوسعه یافتن روابط بین الملل و تجربه‌های ناگوار جنگ، این

واقعیت را آشکار ساخت که سرنوشت جوامع ارتباط نا گسستنی با یکدیگر دارد و بدون تفاهم و همکاری نمی توان از تجاوز قدرتهای خودکامه مصون ماند. (آلبر کلییار؛ ۱۳۶۸؛ ۳۵۰)

امنیت و عدالت جزء تفکیک ناپذیر قدرت سیاسی است. عدالت مبنای تعهد سیاسی افراد، در اطاعت از دولت و قوانین آن محسوب می شود. و تعدیل کردن ساختار نظام داخلی و بین المللی بدون در نظر گرفتن عدالت امکان پذیر نمی باشد. (جوادی آملی؛ ۱۳۷۷؛ ۱۹۸) در قرآن کریم افزون بر صدها آیه به طور عموم به قسط و عدل سفارش کرده است و عدالت در عرصه ساختار جهانی را از اهداف پیامبران بر می شمارد: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس» (حدید: ۲۵) به راستی، ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و آنان کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدالت و انصاف برخیزند.

یکی از آیاتی که به طور خاص روابط بین الملل را مد نظر قرار داده است و مسلمانان را از این که با ستمگری پاسخ دهند، نهی فرموده است: «یا ایها الذین امنوا کنوا قوأمین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شئنا قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هواقرب للتقوی» (مائده: ۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به دادگری برخیزید و به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن، به تقوا نزدیک تر است. درحالی که مفروض رئالیست ها قدرت و اقتدار داشتن را برای غلبه بر دیگران تجویز می کند (ر، ک، بوزان، ۱۳۷۸)

اصولاً در قرآن آزادی، استقلال و حاکمیت ملت ها به گونه ای خاص مورد تأکید قرار گرفته است و آیات متعددی به گونه ای، مداخله قهرآمیز در سرنوشت دیگران را منع می کنند، زیرا تا ملتی خود تصمیم نگیرد، ملت یا ملت های دیگر نمی تواند به عنوان حافظ منافع او یا به نمایندگی از طرف تصمیم بگیرد. قرآن کریم می فرماید: «و لو شاء الله ما اشرکوا و ما جعلنک علیهم حفیظاً و ما ائت علیهم بوکیل» (سوره انعام: ۱۰۷) ما تو را نگهبان آنان قرار نداده ایم، و تو وکیل آنها و عهده دار امورشان نیستی. در مجموع می توان گفت در اسلام برای همه انسانها در عرصه داخلی و بین المللی حقوقی را به رسمیت شناخته و محترم می داند.

۴-۳- راهکار تغییر ساختار نظام بین‌الملل موجود

در روابط بین‌الملل لیبرالیستهای طرفدار صلح دموکراتیک طرفدار حفظ وضع موجودند، (عبدالله خوانی، ۱۳۸۴: ۱۱۷) که فراتر رفتن از نظام بین‌المللی موجود را امکان‌پذیر نمی‌دانند. درحالی‌که رئالیستها به تغییر وضع موجود معتقدند و تغییر آن را از طریق قدرت و جنگ می‌دانند. (قربانی شیخ نشین و صبوری؛ ۱۳۹۴: ۹) در حالی که رویکرد قرآن به امنیت سیاسی از آن‌جا که به نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب قائل است هنجاری می‌باشد. به گونه‌ای که در چارچوب این نظریه امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد بر اساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب قرآن، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند.

۳-۵- راهکار پابندی به عهدنامه‌های بین‌المللی:

از نظر قرآن، التزام به پیمان و وفای به عهد، یک سیاست راهبردی و بلند مدت است. در آیات قرآن کریم، به وفای به عهد و قراردادهای تأکید گردیده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (سوره مائده، ۱) زیرا تعهد مسئولیت می‌آورد. این آیه صراحت دلالت دارد که اعتبار قرارداد بالاتر از حق اخوت اسلامی است. تا مادامی که طرف مقابل به عهد خود وفادار است، نقض آن حرام است. جز در صورتی تخلف طرف مقابل، نقض آن تعهد به هیچ وجه جایز نیست و وفای به آن به حکم عقل و شرع لازم است. (منتظری؛ ۱۳۷۴: ۲۵۸)

شکستن پیمان، نقض عهد خدا تلقی می‌شود: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» (سوره بقره: ۲۷) آنها که عهد خدا را می‌شکنند پس از پیمان بستن بر آن‌ها. قرآن در برابر وفاداری به پیمان‌ها، وعده وفای به عهد از جانب خدا می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ» (سوره بقره ۴): بر عهدی که با من بسته‌اید وفادار باشید تا من به عهدتان وفا کنم.

۳-۶- صلح خواهی و پرهیز از جنگ و مخاصمه در حل و فصل اختلافات داخلی و بین‌المللی:

تأمین امنیت سیاسی، مستلزم پیشگیری از وقوع جنگ و در صورت وقوع، مقابله با آن و حل اختلاف به طریق مسالمت‌آمیز است. زیرا صلح و ثبات ناشی از آن، موجب پیشرفت تمدن می‌شود و روابط

بین الملل، هم اکنون بیش از هر دورانی نیازمند صلح و آرامش است. (جمالی؛ ۱۳۸۵؛ ۲۹۲) در حالی که رئالیست های تهاجمی بر جنگ به عنوان مهمترین عنصر امنیت را تاکید دارند و همین تفکر باعث ایجاد جنگ های متعدد در جهان شده است و لیبرالیست ها از صلح خواهی امنیت صحبت می کنند اما راهکار صلح خواهی را ارائه نکردند.

قرآن هرگز صلح خواهی را به این معنا نمیداند که مسلمانان حالت آمادگی خود را از دست بدهند تا دشمن به تهاجم تشویق شود، چنان که اسلام هیچ گاه مسلمانان را به صلح ذلیلانه از موضع ضعف توصیه نمی کند. (سلیمی؛ ۱۳۹۰؛ ۲۶) البته در زمینه روابط با کشورهای غیراسلامی، قرآن کریم شرایط جنگ و صلح را ملاک برقراری روابط قرار داده و از برقراری رابطه با کافران ستیزه جویی (در الکفر حری) که دین مسلمانان را هدف گرفته اند، باز می دارد و می فرماید:

«شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین، با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هرکس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است» (ممتحنه: ۹).

اصل کلی در مقابله با چنین کفاری را مقابله به مثل در جنگ، آن هم به صورت عادلانه، و اجتناب از تعدی و خوی تجاوزگری ترسیم نموده و تأکید می کند: «و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد» (بقره: ۱۹۲).

قرآن کریم تصریح می کند که نبرد با کفار بازتاب جنگ افروزی خود آنهاست، و به ناگزیر مسلمانان را در برابر جنگ آفرینی شان به مقابله با آنان فرمان می دهد و می گوید: «با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است» (توبه: ۳۶).

قرآن کریم هشدار می دهد که مسلمانان نباید فریب ظاهر آنان و تظاهرشان به دوستی را خورده و دست مودت به سوی شان دراز کنند، و مسلمانان را از طرح اسرار با آنان به شدت بر حذر داشته، درون کینه توز دشمنان اسلام را برای مسلمانان بازگو کرده است و بر خیرخواه نبودن آنان تأکید

می‌کند.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید، آن‌ها از هر گونه شر و فساد دربار شما کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده، و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم، اگر اندیشه کنید» (آل عمران: ۱۱۷).

«شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست ندارند. در حالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند (به دروغ) می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است» (آل عمران: ۱۱۸).

البته جنگ را معلول نبود تعادل در رابطه فطرت و غرایز انسانی می‌داند که در آن غرایز بر فطرت چیره می‌شود. هرگاه حیاتی‌ترین مسایل یک دولت، با منافع دیگران تعارض پیدا می‌کند و مصالحه بر سر آنها نیز ممکن نباشد، دولت تصمیم به جنگ می‌گیرد. (جمالی؛ ۱۳۸۵؛ ۲۹۲)

قرآن نه تنها شیوه‌های معمول حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را پذیرفته، بلکه در این زمینه پیش‌گام است. تاریخ اسلام، نمونه‌های متعددی از روش‌های حل و فصل‌های مسالمت‌آمیز اختلافات را نشان می‌دهد. که در این جا به چند روش آن اشاره شده است:

- ۱- روش مذاکره. (اخوان کاظمی؛ ۱۳۹۲؛ ۱۸۰) در میان روش‌های دیپلماسی پیامبر اکرم (ص) مذاکره با نمایندگان مخالفان، دولت‌ها، قبایل و گروه‌های مذهبی اهمیت بیشتری داشته است.
- ۲- روش میانجی‌گری: یکی دیگر شیوه سیاسی حل اختلافات، میانجی‌گری است و استفاده از آن منعی ندارد زیرا در آیاتی از قرآن کریم میانجی‌گری در اختلافات خانوادگی و چه نزاع بین دو طایفه از مؤمنان باشد با صراحت آمده است (مطهری؛ ۱۳۹۵؛ ۵۰) قرآن کریم درسوره حجرات به این روش اشاره کرده است (حجرات، ۹) اگر دو طایفه از مؤمنان با هم جنگیدند میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر (باز) یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن (طایفه) که تعدی می‌کند، بجنگید تا به

فرمان خدا باز گردد. پس اگر برگشت میان آن‌ها را دادگرا نه سازش دهید و از خدا پروا کنید.

۳- روش حکمیت: هدف قرآن تأمین امنیت میان جوامع انسانی است (جعفری لنگرودی؛ ۱۳۸۶؛ ۱۸۷۸). قرآن کریم «حکمیت» را به صراحت بیان کرده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا..» (نساء، ۳۵) و اگر از ناسازگاری میان آن دو «همسر» بیم داشتی، داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن انتخاب کنيد.

۴- تأکید بر مشترکات برای رسیدن به تفاهم: در روابط بین الملل برای رسیدن به تفاهم، بر رفع اختلاف ها و تضادهای فکری و عملی و نیز بر منافع مشترک تأکید می کند. قرآن کریم حتی در روابط با غیر مسلمین، مشترکات را مطرح می کند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا إلى کلمة سواء بیننا و بینکم» (آل عمران، ۶۴) این آیه خطاب به اهل کتاب است. اما به طور وسیع تر می تواند در جامعه کاربرد داشته باشد. این آیه مبنا و تکیه گاه بر «گفت و گو» را سخن مشترک دانسته است. پیامبر اکرم (ص) نامه‌های خویش را به اهل کتاب عموماً به این آیه مزین می فرمودند، آن حضرت بارها به مردم می فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ» (قرطبی؛ ۱۴۰۵؛ ۳۴۲) ای مردم، آگاه باشید، که پروردگار شما یکی است و همانا پدر شما یکی است. سپس به رد فضیلت های کاذب قومی و نژادی می پرداخت و با این سخنان، هویت مشترک آنان را یادآور می شد تا زمینه تفاهم و همدلی فراهم گردد.

۵- تقویت گفتگوی بین المللی: یکی از اصلی ترین راهکارهای تأمین امنیت سیاسی روابط بین الملل، استفاده از راهبرد ارتباطی است. طبعاً تحقق این امر به گونه ای یک جانبه امکان پذیر نخواهد بود. قرآن میفرماید: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را به جای خدا، به خدایی نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) اعراض کردند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم (نه شما) (آل عمران، ۶۴) در این آیه، به نقطه های مشترک بین اسلام و اهل کتاب توجه شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت؛ قرآن از یک سو از حاکمیت قوانین فطری انسان و عادلانه سخن می‌گوید و روابط مبتنی بر زور و سلطه را که بر اساس تسلط قدرتهای بزرگ حاکم شده را به چالش می‌کشد و خواستار برقراری نظام عادلانه جهانی است و از سویی دیگر برای جلوگیری از ناامنی و برقراری صلح و ثبات از قراردادهای و تعهدات بین‌المللی و مشارکت ملتها و نهادهای بین‌المللی بر اساس اصل برابری، عدالت و احترام متقابل حمایت می‌کند. با توجه به نظام آنارشیستی موجود و ناامنی کشورها بخصوص در منطقه آفریقا و غرب آسیا می‌طلبد که دولتهای مستقل و آزاد با تشکیل همایشها و کنفرانس‌های متعدد با گفتگو و دعوت جهانیان به همزیستی مسالمت آمیز بر ناامنی سیاسی و تهدیدهای ایجاد شده فائق آیند. مسلم است اغلب راهکارهایی که تاکنون از سوی مکاتب غربی ارائه شده حاصل معلومات و تجارب بشری بوده‌اند و معلومات و تجارب بشری هم از سوی دو عنصر «زمان» و «مکان» دچار محدودیت می‌باشند، لذا نتوانسته‌اند آنگونه که شایسته است در جهت تأمین امنیت، گامهای مؤثری بردارند. بنابراین انسان امروزی برای دستیابی به «امنیت پایدار و هم‌جانبه» چاره‌ای جز این ندارد که دست‌یاری به سوی مکاتب آسمانی درازکند و در میان آنها از خالص‌ترین و ناب‌ترین مکتب، یعنی اسلام عزیز و نسخه‌ی شفابخش آن یعنی قرآن کریم طلب امداد و یاری کند. زیرا قوانین این کتاب آسمانی ریشه در وحی و علم خداوندی دارند که هیچگونه تردیدی در صحت و اصالت آن روا نمی‌باشد و راه ندارد. اما قرآن کریم در جهت برقراری و تأمین امنیت، راه حل‌ها و راهکارهای فراوانی را ارائه نموده که به طور یقین ذکر تمامی آنها در این مقاله نمی‌گنجد و از همین رو به طور اختصار به چند مورد از این راهکارها اشاره شد.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم.
- آلبر کلییار، کلود، (۱۲۶۸)، سازمان های بین المللی، نهادهای روابط بین الملل، ترجمه هدایت الله فلسفی، تهران، نشر نو.
- ابن فارس، زکریا؛ ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة (شش جلدی)؛ چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم؛ ۱۴۱۴ق، لسان العرب؛ چ ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- اخوان کاظمی، کاظم، ۱۳۹۲، دیپلماسی و رفتار بین المللی در اسلام، تهران، انتشارات سمت
- ابوالحمد، عبدالحمید ۱۳۷۳، مبانی سیاست، تهران، توس.
- اسلامی، مجتبی، درجاتی، حسین، ۱۳۸۸، امنیت در اسلام (مبانی و قالب های فکری)، فصلنامه دانش انتظامی، ۲/۲، صص ۱۲۴-۱۴۳.
- آل غفور، سیدسجاد، یعقوبی منفرد، یوسف، ۱۴۰۰، امنیت سیاسی گروه ها؛ موجبات و موانع تحقق آن از منظر قرآن کریم، سیاست متعالیه، ۳۲، صص ۸-۲۴.
- بوزان، باری، ۱۳۷۸، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، اسلام و حقوق بشر، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- پوراحمدی، حسین، ۱۳۹۴، مقدمه ای بر نظریه اسلامی روابط بین الملل، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۶، حقوق جهانی بشر، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری،
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، فلسفه حقوق بشر، قم، نشر اسراء.
- جمالی، حسین، ۱۳۸۵، تاریخ و اصول روابط بین المللی، قم، انتشارات تحقیقات اسلامی.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۶، ترمنولوژی حقوق، تهران کتابخانه گنج دانش.

دوئرتی، جیمز، و فالتزگراف، رابرت، ۱۳۸۴، ترجمه بزرگی، وحید، طیب، علی رضا، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس.

داوری اردکانی رضا، شاکری سیدرضا، ۱۳۸۸، امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) فصلنامه دانش سیاسی، ۵/۱۰، صص ۶۹-۸۶.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، تحقیق عدنان داودی، صفوان، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دار العلم الدار الشامیه.

زاهدی‌اصل، محمد (۱۳۸۵) «امنیت روانی اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش بررسی نقش روان‌شناسی.

ستوده، محمد، ۱۳۹۶، نظریه‌های بین‌الملل، تهران، انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سلیمی، عبد الحکیم، ۱۳۹۰، حقوق بین‌الملل اسلامی، قم، نشر جامعه‌المصطفی‌العالمیه.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۷) (المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲، علی، نظریه‌های امنیت، جلد اول، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، تهران.

_____، ۱۳۸۴، دیپاچه ای بر قانون امنیت ملی، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.

فراستی، عبدالوهاب، ۱۳۸۹، به اهتمام پور احمدی، حسین، چارچوب و مبانی روابط دولت اسلامی با نظام بین‌الملل، در: مجموعه مقالات - اسلام و روابط بین‌الملل (چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی) انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، العین، قم، انتشارات هجرت.

قرطبی، محمد، ۱۴۰۵ق، تفسیر قرطبی، بیروت، دار الحیاء التراث العربی.

قوام، عبد‌العلی، ۱۳۹۰، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت.

قربانی شیخ نشین، ارسلان و صبوری، ضیاءالدین، ۱۳۹۴، نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب، تهران، نشر: دانشگاه امام صادق(ع).

مورگتا، هانس جی، ۱۳۷۹، سیاست میان ملت ها، تهران، نشر امور خارجه.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۹۵، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات صدرا.

مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۲، نظریه حقوقی اسلام، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

متظری، حسینعلی، ۱۳۷۴، تفسیر نهج البلاغه، قم، هاجر.

موحدی، محمدابراهیم و جمال عرف؛ ۱۳۹۲، «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱/۱، صص ۵۳-۸۶

منوچهری، عباس، ۱۳۸۷، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت.

معین، محمد(۱۳۷۵). فرهنگ فارسی (شش جلدی). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

میراحمدی، منصور اکرم شیری؛ ۱۳۸۸ «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام فقاهتی سیاسی»؛ فصلنامه علوم سیاسی؛ قم: دانشگاه باقرالعلوم، ۴/۴، صص ۸۹-۶۳

نیکدل، زینب، شرافکن، مهدی وزهرا جلیلی، ۱۴۰۰، ترگذاری امنیت سیاسی و ثبات دولت ها بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی: اقتصادسنجی فضایی، فصلنامه اقتصادباثبات و توسعه پایدار، ص ۱۰۹.

نصرتی، علی اصغر، ۱۳۹۵، نظام سیاسی در اسلام، قم، هاجر.